سرمقاله

شورش علیه نظم قدیم اروپا

ادامه از صفحه یک

امانوئل ماکرون نیز در فرانسه با فرسایش اعتماد عمومی و دشواری ایجاد توافق سیاسی مواجه شده و دولت بریتانیا هم برای پاسخ‌گویی به مطالبات اقتصادی و خدمات عمومی تحت فشار قرار دارد. در واقع، ضعف عملکرد دولت‌ها تنها یک مشکل مدیریتی نیست، بلکه به بحرانی عمیق‌تر در مشروعیت سیاسی و توانایی نهادهای سنتی برای نمایندگی مطالبات جامعه تبدیل شده است.

در همین رابطه لازم به ذکر است، اروپای پس از جنگ جهانی دوم بر نوعی توافق اجتماعی استوار بود که در آن رشد اقتصادی، دولت رفاه و ثبات سیاسی به یکدیگر پیوند می‌خوردند. شهروندان در مقابل پذیرش نظم سیاسی موجود از خدمات عمومی، امنیت شغلی و امکان ارتقای سطح زندگی برخوردار می‌شدند. اما اکنون این توافق با چالش مواجه شده است. نسل جوان در بسیاری از کشورهای اروپایی با هزینه‌های سنگین مسکن، دشواری اشتغال پایدار و نگرانی درباره آینده اقتصادی روبرو است. از سوی دیگر، افزایش هزینه‌های دفاعی، فشار بر بودجه‌های عمومی، موضوع مهاجرت و چالش ادغام اجتماعی مهاجران و مشکلات تأمین مالی نظام‌های رفاهی، توان دولت‌ها برای پاسخ‌گویی را محدود کرده است.

در واقع مسئله مهاجرت و ادغام اجتماعی نیز به این معادله اضافه می‌شود. هرچند مهاجرت در بسیاری از اقتصادهای اروپایی به تأمین نیروی کار کمک کرده، ضعف سیاست‌های ادغام، مشکلات مسکن و نابرابری فرصت‌ها در برخی جوامع به افزایش تنش‌های اجتماعی دامن زده است. در چنین شرایطی، جریان‌های سیاسی مختلف می‌کوشند نارضایتی عمومی را به سود خود تفسیر کنند.

در همین رابطه نکته مهم در بررسی آینده اروپا، شباهت برخی روندهای کنونی با تحولات سیاسی اوایل قرن بیستم است. در آن دوره، بحران‌های اقتصادی، تعارضات طبقاتی و ناتوانی نهادهای سیاسی در مدیریت اختلافات اجتماعی، زمینه رشد جریان‌های رادیکال و چپ را فراهم کرد. ظهور فاشیسم نیز در بخشی از اروپا با ترس از گسترش کمونیسم، بحران اقتصادی و بی‌اعتمادی به دموکراسی پارلمانی پیوند داشت.

البته نمی‌توان شرایط کنونی را تکرار مستقیم همان دوره دانست. اروپا امروز از نهادهای دموکراتیک تثبیت‌شده‌تر، ساختارهای حقوقی متفاوت و تجربه تاریخی گسترده‌تری برخوردار است. بااین‌حال، شباهت قابل‌توجه در فرسایش اعتماد به احزاب سنتی و افزایش جذابیت جریان‌هایی است که وعده بازگرداندن اقتدار دولت و اولویت‌دادن به منافع ملی را مطرح می‌کنند. از این منظر، احتمالاً تحول آینده اروپا نه در قالب بازگشت فاشیسم کلاسیک، بلکه در مسیر تقویت نوعی محافظه‌کاری سیاسی و ملی‌گرایی اقتصادی و فرهنگی نمایان خواهد شد؛ جریانی که خواهان کنترل بیشتر مهاجرت، بازنگری در سیاست‌های رفاهی و محدودکردن اختیارات نهادهای فراملی است.

پیامد چنین تحولی می‌تواند برای اتحادیه اروپا بسیار مهم باشد. زیرا پروژه همگرایی اروپایی بر این فرض استوار بوده که دولت‌های عضو می‌توانند بخشی از اختیارات ملی خود را در چارچوب منافع مشترک واگذار کنند. اما تقویت جریان‌های ملی‌گرا ممکن است این توافق را دشوارتر سازد.

اگر دولت‌های آینده تحت فشار افکار عمومی، سیاست‌های اقتصادی حمایت‌گرایانه‌تر، محدودیت‌های مهاجرتی گسترده‌تر و استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری مطالبه کنند، اتحادیه اروپا با اختلافات تازه‌ای درباره بودجه، مرزها، تجارت و سیاست خارجی مواجه خواهد شد. بااین‌حال، اعتراضات کنونی الزاماً به سود راست ملی‌گرا پایان نمی‌یابند؛ زیرا بخش مهمی از معترضان دارای مطالبات چپ‌گرایانه، رفاهی و عدالت‌محور هستند. لذا فاکتور تعیین‌کننده اصلی آن خواهد بود که کدام جریان سیاسی بتواند نارضایتی‌های پراکنده را به برنامه‌ای قابل‌اجرا تبدیل کند. در چنین شرایطی است که می‌توان گفت، اروپا در برابر انتخابی تعیین‌کننده یعنی بازسازی توافق اجتماعی و اصلاح عملکرد دولت‌ها یا حرکت به‌سوی سیاستی ملی‌گرایانه‌تر و کم‌اعتمادتر به نهادهای مشترک قرار گرفته است. در این میان اعتراضات خیابانی شاید فروکش کنند، اما بحران عمیق‌تری که آنها را شکل داده همچنان باقی خواهد ماند و طبیعتاً آینده اروپا بیش از هر چیز به توانایی دولت‌های آن برای پاسخ‌گویی به همین بحران بستگی دارد.

پزشکیان بر اصلاح یارانه‌ها و ارزان‌تر شدن کالاهای اساسی تاکید کرد

عدالت معیشتی در آزمون اجرا

گروه سیاسی - در شرایطی که افزایش هزینه‌های زندگی همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانوارهای ایرانی است، مسعود پزشکیان بار دیگر بر ضرورت اصلاح نظام یارانه‌ای و حمایت هدفمند از اقشار کم‌درآمد تأکید کرده است. رئیس‌جمهوری در نشست شورای اطلاع‌رسانی دولت خواستار طراحی سازوکارهایی شد که کالاهای اساسی با قیمت مناسب‌تر به دست ساکنان مناطق محروم و مرزی برسد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که دولت با محدودیت منابع مالی، فشار تورمی و ضرورت بازنگری در شیوه توزیع حمایت‌های عمومی مواجه است. بااین‌حال، مسئله اصلی صرفاً اعلام اولویت حمایت از نیازمندان نیست؛ بلکه چگونگی تبدیل این هدف به سیاستی اجرایی، پایدار و قابل ارزیابی است.



اما تعیین مرز میان برخورداری و نیازمندی همواره ساده نیست. ممکن است خانواری دارایی مشخصی داشته باشد، اما درآمد جاری آن برای تأمین هزینه‌های زندگی کافی نباشد

کالابرگ؛ حمایت در برابر تورم

در جلسه شورای اطلاع‌رسانی دولت، گزارشی از اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی و برنامه‌های حمایتی ارائه شد. براساس این گزارش، ۵۰۰ هزار تومان اعتبار به کالابرگ ۳۰ میلیون نفر افزوده شده است؛ اقدامی که با هدف کاهش فشار هزینه‌های معیشتی بر خانوارها انجام می‌شود.

کالابرگ الکترونیکی می‌تواند در مقایسه با پرداخت نقدی، ارتباط مستقیم‌تری میان حمایت دولت و تأمین کالاهای ضروری ایجاد کند. بااین‌حال، اثربخشی آن به چند عامل وابسته است؛ از جمله میزان اعتبار تخصیص‌یافته، قیمت واقعی کالاها، دسترسی فروشگاه‌ها و استمرار اجرای طرح.

اگر افزایش قیمت اقلام ضروری از رشد اعتبار کالابرگ بیشتر باشد، قدرت خرید حمایت دولتی به‌تدریج کاهش خواهد یافت. بنابراین، صرف افزایش اعتبار نمی‌تواند به معنای جبران کامل فشار تورمی باشد. برای ارزیابی موفقیت طرح باید مشخص شود خانوارها در عمل چه مقدار کالا می‌توانند خریداری کنند.

نسخه متفاوت برای مناطق محروم

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان پزشکیان، تأکید بر ضرورت پایین‌تر بودن تورم و هزینه‌های زندگی در مناطق مرزی و محروم نسبت به تهران بود. این هدف از منظر عدالت منطقه‌ای اهمیت دارد، اما تحقق آن به مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ نیازمند است.

در برخی مناطق کم‌برخوردار، هزینه حمل‌ونقل، فاصله از مراکز توزیع و محدودیت زیرساخت‌های تجاری می‌تواند بر قیمت نهایی کالاها اثر بگذارد. ازاین‌رو، حمایت از خانوارهای این مناطق نباید صرفاً به پرداخت یارانه محدود شود.

تقویت شبکه توزیع، کاهش هزینه جابه‌جایی کالا، افزایش رقابت میان عرضه‌کنندگان و نظارت بر عملکرد زنجیره تأمین می‌تواند در کاهش هزینه مصرف‌کنندگان مؤثر باشد.

رئیس‌جمهوری همچنین از رایزنی با بنیاد مستضعفان و سازمان بسیج برای ارائه راهکارهای اجرایی خبر داده است. موفقیت چنین همکاری‌هایی به تعیین مسئولیت دستگاه‌ها، منابع مالی و شاخص‌های سنجش نتایج بستگی خواهد داشت.

یارانه برابر، عدالت نابرابر

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، توزیع یکسان منابع عمومی میان خانوارهای برخوردار و نیازمند را مورد انتقاد قرار داد. او تأکید کرد که دولت باید حمایت‌های خود را به سمت گروه‌هایی هدایت کند که بیشترین نیاز را دارند.

این دیدگاه بر یکی از چالش‌های دیرینه نظام یارانه‌ای ایران متمرکز است. هنگامی که یارانه انرژی از طریق قیمت پایین‌تر آب، برق و گاز پرداخت می‌شود، میزان بهره‌مندی خانوارها می‌تواند با سطح مصرف آنان ارتباط پیدا کند.

در چنین شرایطی، خانوارهای پرمصرف ممکن است از یارانه پنهان بیشتری برخوردار شوند؛ درحالی‌که خانوارهای کم‌درآمد، به‌ویژه افراد فاقد مسکن مناسب یا دسترسی کافی به انرژی، سهم کمتری دریافت کنند.

بااین‌حال، اصلاح این وضعیت نیازمند احتیاط است. افزایش قیمت خدمات عمومی بدون طراحی حمایت‌های جبرانی می‌تواند هزینه زندگی خانوارهای کم‌درآمد را نیز بالا ببرد. بنابراین، بازتوزیع منابع باید به‌گونه‌ای انجام شود که اصلاح یارانه‌ها به فشار معیشتی تازه تبدیل نشود.

شناسایی نیازمندان؛ دشوارترین مرحله

یکی از پیش‌شرط‌های هدفمندسازی یارانه‌ها، شناسایی دقیق وضعیت اقتصادی خانوارهاست. رئیس‌جمهوری خواستار استفاده از تجربه سایر کشورها برای حذف افراد برخوردار از فهرست دریافت‌کنندگان حمایت‌های معیشتی شده است.

اما تعیین مرز میان برخورداری و نیازمندی همواره ساده نیست. ممکن است خانواری دارایی مشخصی داشته باشد، اما درآمد جاری آن برای تأمین هزینه‌های زندگی کافی نباشد. در مقابل، برخی افراد نیز ممکن است درآمد یا دارایی‌هایی داشته باشند که در اطلاعات رسمی به‌درستی ثبت نشده است. ازاین‌رو، اتکای صرف به یک شاخص مانند مالکیت خودرو، مسکن یا گردش حساب نمی‌تواند تصویر کاملی از توان اقتصادی خانوار ارائه دهد. نظام شناسایی باید مجموعه‌ای از شاخص‌های درآمدی، دارایی، تعداد اعضای خانوار و شرایط خاص زندگی را در نظر بگیرد. همچنین وجود سازوکاری شفاف برای اعتراض و اصلاح اطلاعات ضروری است تا خانوارهای نیازمند به دلیل خطاهای اداری از حمایت محروم نشوند.

گروه‌هایی که نباید فراموش شوند

پزشکیان در سخنان خود زنان سرپرست خانوار، افراد بی‌سرپرست، یتیمان، بیکاران و خانوارهای فاقد درآمد کافی را در اولویت حمایت دولت قرار داد.

این تأکید نشان می‌دهد سیاست حمایتی باید فراتر از تقسیم‌بندی عمومی دهک‌های درآمدی طراحی شود. برای مثال، دو خانوار با درآمد مشابه ممکن است به دلیل تفاوت در هزینه درمان، اجاره مسکن یا تعداد افراد تحت تکفل، شرایط معیشتی کاملاً متفاوتی داشته باشند.

بنابراین، حمایت مؤثر مستلزم توجه به میزان آسیب‌پذیری واقعی خانوارهاست. در غیر این صورت، ممکن است سیاستی که با هدف عدالت طراحی شده، نتواند نیازهای گروه‌های مختلف را به‌درستی پوشش دهد.

ثبات قیمت‌ها؛ حلقه تعیین‌کننده

رئیس‌جمهوری همچنین بر ضرورت حفظ ثبات قیمت کالاهای اساسی تأکید کرده است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که حمایت‌های معیشتی بدون کنترل عوامل مؤثر بر افزایش قیمت‌ها، ممکن است اثرگذاری محدودی داشته باشند.

تورم کالاهای ضروری تحت تأثیر عواملی مانند هزینه تولید، نرخ ارز، حمل‌ونقل، وضعیت عرضه و سیاست‌های مالی و پولی قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، کنترل پایدار قیمت‌ها تنها از مسیر نظارت بر فروشگاه‌ها امکان‌پذیر نیست.

اگر هزینه تولید و توزیع افزایش یابد، تثبیت دستوری قیمت بدون تأمین منابع لازم ممکن است به کاهش عرضه یا انتقال هزینه به بخش‌های دیگر منجر شود.

در نتیجه، سیاست حمایت از مصرف‌کننده باید با برنامه‌هایی برای تقویت تولید، بهبود توزیع و کاهش بی‌ثباتی اقتصادی همراه باشد.

اقناع عمومی یا پاسخگویی عملی؟

یکی دیگر از محورهای سخنان پزشکیان، نقش شورای اطلاع‌رسانی دولت در توضیح ضرورت اصلاح یارانه‌ها برای افکار عمومی بود. او تأکید کرد که مردم باید در جریان منطق تصمیم‌های دولت قرار گیرند.

اطلاع‌رسانی شفاف برای اجرای اصلاحات اقتصادی ضروری است، اما اعتماد عمومی تنها با توضیح اهداف سیاست‌ها شکل نمی‌گیرد. شهروندان باید بتوانند آثار تصمیم‌ها را در زندگی روزمره خود مشاهده کنند.

اعلام معیارهای حذف و اضافه دریافت‌کنندگان یارانه، انتشار گزارش عملکرد کالابرگ و ارائه اطلاعات روشن درباره منابع آزادشده می‌تواند به افزایش شفافیت کمک کند.

همچنین اگر قرار است یارانه گروه‌های برخوردار کاهش یابد، باید مشخص شود منابع حاصل دقیقاً چگونه و در چه زمانی به خانوارهای نیازمند منتقل خواهد شد.

فاصله وعده تا سفره مردم

در مجموع، تأکید تازه رئیس‌جمهوری بر اصلاح نظام یارانه‌ای و کاهش هزینه زندگی در مناطق محروم، از نظر جهت‌گیری اجتماعی با هدف توزیع عادلانه‌تر منابع عمومی ارتباط دارد. بااین‌حال، تجربه سیاست‌های حمایتی نشان می‌دهد میان تعیین هدف و دستیابی به نتیجه، فاصله‌ای قابل توجه وجود دارد.

اجرای موفق این برنامه به شناسایی دقیق نیازمندان، تأمین منابع پایدار، کنترل عوامل تورم‌زا و هماهنگی دستگاه‌های مسئول وابسته است.

دولت در شرایط محدودیت منابع ناچار است اولویت‌های خود را مشخص کند، اما مهم‌تر از اعلام این اولویت‌ها، ارائه برنامه‌ای است که زمان‌بندی، مسئول اجرا و معیار سنجش موفقیت آن روشن باشد.

در نهایت، معیار اصلی ارزیابی سیاست‌های معیشتی نه تعداد جلسات برگزارشده و نه میزان اعتبار اعلام‌شده، بلکه تغییر واقعی در قدرت خرید خانوارها خواهد بود. اگر اصلاح یارانه‌ها بتواند سهم بیشتری از منابع عمومی را به نیازمندان برساند و همزمان از افزایش فشار هزینه‌های زندگی جلوگیری کند، می‌توان آن را گامی در مسیر عدالت اقتصادی دانست. در غیر این صورت، فاصله میان وعده حمایت و واقعیت سفره خانوارها همچنان پابرجا خواهد ماند.

اخبار

هشدار مجلس درباره مطالبات معوق بازنشستگان و فرهنگیان

علی‌اصغر باقرزاده، نماینده بابلسر و فریدون‌کنار در مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر ضرورت تقویت تاب‌آوری ملی در شرایط جنگی، خواستار رسیدگی جدی به مشکلات معیشتی مردم، مقابله با فساد و تعیین تکلیف مطالبات بازنشستگان، فرهنگیان، پرستاران و نیروهای شرکتی شد.

به گزارش ایرنا، باقرزاده در نطق میان‌دستور خود با اشاره به ایستادگی مردم ایران در برابر تهدیدها و تحریم‌ها اظهار کرد که ملت ایران در دفاع از استقلال و تمامیت سرزمینی خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. وی درعین‌حال تأکید کرد که حفظ توان دفاعی کشور باید با تقویت اعتماد عمومی و توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی همراه باشد.

این نماینده مجلس با بیان اینکه تاب‌آوری ملی با دستور و بخشنامه ایجاد نمی‌شود، تصریح کرد که مردم زمانی به مسئولان اعتماد می‌کنند که عدالت، صداقت و نتایج تصمیم‌های درست را در زندگی روزمره خود مشاهده کنند. وی خواستار برخورد جدی قوه قضاییه با فساد، رانت، سوءاستفاده‌های اقتصادی و مسئولانی شد که در انجام وظایف خود کوتاهی کرده‌اند. باقرزاده همچنین تأکید کرد که هیچ مدیری نباید شرایط جنگی را بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت قرار دهد. به اعتقاد وی، دولت می‌تواند با اقداماتی بدون تحمیل بار مالی جدید، زمینه افزایش سرمایه اجتماعی را فراهم کند. وی تعیین تکلیف نیروهای شرکتی و حذف واسطه‌های استخدامی را از مهم‌ترین این اقدامات دانست و از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواست برای حل مشکلات چندساله این کارکنان همکاری کند. نماینده بابلسر و فریدون‌کنار همچنین بر اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، پرداخت به‌موقع مطالبات قانونی آنان و تعیین تکلیف رتبه‌بندی معلمان در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تأکید کرد. عضو کمیسیون بهداشت مجلس در بخش دیگری از سخنان خود، از حذف پوشش بیمه‌ای برخی داروها و افزایش قیمت دارو و تجهیزات پزشکی انتقاد کرد و خواستار توضیح درباره علت اتخاذ این تصمیم‌ها بدون هماهنگی با مجلس شد.

وزیر اطلاعات به زودی معرفی می‌شود

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: دولت به زودی وزیر پیشنهادی اطلاعات را به مجلس معرفی خواهد کرد.

علی نیکزاد نائب رئیس مجلس این مطلب را در پاسخ به تذکر ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در جلسه علنی امروز یکشنبه مجلس بیان کرد. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس امروز در جلسه علنی، وبیناری مجلس در تذکری گفت: بیش از هشت ماه است که کشور، وزیر اطلاعات ندارد. قانون سه ماه به دولت اجازه داده تا برای وزارت خانه، وزیر معرفی کند اما اکنون بیش از هشت ماه از شهادت وزیر اطلاعات می گذرد و وزارت اطلاعات با سرپرست اداره می‌شود، آن هم در شرایطی که کشور درگیر جنگ است و با انواع رویکردهای دشمنان و جریان‌های خبیث روبرو است.

«ابتکار» از رایزنی‌های فشرده برای جلوگیری از تشدید تنش میان ایران و آمریکا گزارش می‌دهد

مذاکره بر لبه جنگ

در شرایطی که نگرانی‌ها درباره احتمال آغاز دور تازه‌ای از درگیری‌های نظامی در خاورمیانه افزایش یافته، تحرکات دیپلماتیک برای جلوگیری از گسترش بحران ایران و آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شده است. رفت‌وآمد هیئت‌های قطری میان تهران و دوحه، سفر مقام‌های ارشد عربستان، پاکستان و ترکیه به ایران و ارسال پیام جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، به دبیر شورای عالی امنیت ملی، نشان می‌دهد کانال‌های ارتباطی همچنان فعال هستند. بااین‌حال، افزایش تعداد دیدارها لزوماً به معنای نزدیک شدن به توافق نیست. اختلاف بر سر ترتیب اجرای تعهدات، رفع محدودیت‌های اقتصادی و آینده تنگه هرمز همچنان از مهم‌ترین موانع پیش روی مذاکرات محسوب می‌شود.

هفته پرتحرک دیپلماسی

به گزارش ایرنا، فاصله چهارم تا نهم آبان با مجموعه‌ای از رایزنی‌های دیپلماتیک همراه بود که محور مشترک آنها جلوگیری از تشدید رویارویی نظامی در منطقه است. در نخستین مرحله، هیئتی از قطر به تهران سفر کرد تا درباره ابتکارهای موجود برای کاهش تنش گفت‌وگو کند. هم‌زمان، رسانه‌های آمریکایی از انتقال پیام معاون ترامپ و ارائه پیشنهادهای تازه برای پایان بحران خبر دادند.

چند روز بعد، خالد بن سلمان، وزیر دفاع عربستان، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان و ابراهیم کالین، رئیس دستگاه اطلاعاتی ترکیه، در تهران با محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، دیدار کردند.

حضور هم‌زمان این سه مقام ارشد نشان‌دهنده اهمیت تحولات ایران و آمریکا برای امنیت منطقه است. کشورهای همسایه نگران‌اند که شکست دیپلماسی، زیرساخت‌های اقتصادی، مسیرهای انرژی و امنیت داخلی آنان را با مخاطرات بیشتری مواجه کند.

قطر در مرکز مذاکرات

قطر در ماه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین واسطه‌های ارتباطی میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است. برخورداری دوحه از روابط کاری با هر دو طرف، امکان انتقال پیام‌ها و بررسی پیشنهادهایی را فراهم کرده که طرح مستقیم آنها در شرایط کنونی دشوار است.

به گزارش آکسیوس، هیئت قطری روز جمعه هشتم آبان بیش از دوازده ساعت در تهران مذاکره کرد و در جریان رایزنی‌ها با کاخ سفید در تماس بود.

پس از این مذاکرات، هیئتی ایرانی به ریاست یکی از معاونان وزیر امور خارجه راهی دوحه شد. اگرچه این سفر را می‌توان نشانه تداوم گفت‌وگوها دانست، اما هنوز توافق مشخصی اعلام نشده است.

اهمیت نقش قطر در آن است که میانجیگری صرفاً به انتقال پیام محدود نمی‌شود؛ بلکه تلاش برای نزدیک کردن زمان‌بندی اقدامات دو طرف نیز در دستور کار قرار گرفته است.

از هفت روز تا دو روز

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحولات اخیر، بحث درباره مدت اجرای اقدامات اولیه اعتمادساز است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در گفت‌وگو با الجزیره از انعطاف ایران در زمینه زمان‌بندی اجرای طرح پیشنهادی خبر داده است. بر اساس توضیحات او، تهران ابتدا چارچوبی هفت‌روزه مطرح کرده بود، اما پس از درخواست قطر برای کاهش زمان اجرا به پنج روز، پیشنهاد تازه‌ای با دوره اجرای دو روزه نیز ارائه شد. این تغییر نشان می‌دهد اختلاف‌ها تنها بر سر اصل مذاکره نیست، بلکه چگونگی آغاز فرایند توافق و ترتیب اقدامات متقابل نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد. بااین‌حال، کوتاه‌تر شدن زمان‌بندی بدون توافق درباره تعهدات مشخص، تضمینی برای موفقیت مذاکرات نخواهد بود. مسئله اساسی آن است که هر طرف چه اقدامی را در چه زمانی و در برابر کدام تعهد طرف مقابل انجام خواهد داد.

هرمز؛ محور چانه‌زنی‌ها

تنگه هرمز اکنون یکی از مهم‌ترین موضوعات رایزنی‌های دیپلماتیک است. ایران رفع محاصره بنادر، کاهش فشارهای اقتصادی و فراهم شدن شرایط بازگشایی مسیرهای کشتیرانی را از عناصر اصلی طرح خود می‌داند. در مقابل، واشنگتن خواستار رسیدگی سریع به موضوعات هسته‌ای و دریافت تعهدات مشخص از تهران است. همین تفاوت در اولویت‌ها، دستیابی به توافق را دشوار کرده است. ایران معتقد است اقدامات اقتصادی و امنیتی آمریکا باید زمینه ورود به مذاکرات بعدی را فراهم کند، درحالی‌که واشنگتن ترجیح می‌دهد امتیازهای هسته‌ای از مراحل اولیه توافق در دستور کار قرار گیرد. از منظر اقتصادی، بازگشایی مسیرهای دریایی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اختلال در تردد کشتی‌ها می‌تواند هزینه حمل‌ونقل و تجارت انرژی را افزایش دهد. بنابراین، دستیابی به تفاهم درباره هرمز تنها برای تهران و واشنگتن اهمیت ندارد، بلکه کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی نیز از نتایج آن تأثیر می‌پذیرند.

پیام ونس؛ نشانه تغییر رویکرد؟

ارسال پیام جی‌دی ونس به محسن رضایی، یکی دیگر از تحولات قابل توجه روزهای اخیر است. عراقچی تأیید کرده که این پیام در سطوح عالی بررسی شده، اما جزئیات رسمی آن هنوز منتشر نشده است. ورود معاون رئیس‌جمهوری آمریکا به این روند می‌تواند نشانه تلاش واشنگتن برای بررسی مسیرهای تازه دیپلماتیک باشد. بااین‌حال، تا زمانی که محتوای پیام و پاسخ احتمالی ایران روشن نشده، نمی‌توان درباره نتایج آن داوری قطعی کرد. وزیر امور خارجه ایران تلاش برای گشودن مسیر تفاهم را اقدامی مثبت دانسته، اما هم‌زمان نسبت به استفاده از مذاکرات برای ایجاد اختلاف یا افزایش فشار هشدار داده است. این موضع نشان می‌دهد تهران میان اصل گفت‌وگو و پذیرش پیشنهادهای مطرح‌شده تفاوت قائل است.

بی‌اعتمادی؛ مانع اصلی توافق

فراتر از اختلاف‌های فنی، مهم‌ترین چالش مذاکرات کنونی کمبود اعتماد سیاسی است. تجربه درگیری‌های نظامی و ناکامی تفاهم‌های پیشین، موجب شده هر دو طرف نسبت به اجرای تعهدات طرف مقابل تردید داشته باشند. برای ایران، دریافت تضمین درباره رفع محدودیت‌ها و جلوگیری از تکرار حملات اهمیت دارد. آمریکا نیز بر ضرورت تعهدات قابل راستی‌آزمایی در پرونده هسته‌ای تأکید می‌کند.

در چنین شرایطی، توافقی که صرفاً بر اعلام حسن نیت متکی باشد، احتمالاً با دشواری مواجه خواهد شد. سازوکار اجرای هم‌زمان اقدامات، تعیین نهادهای ناظر و پیش‌بینی راه‌حل برای اختلاف‌های احتمالی می‌تواند از عناصر ضروری هر تفاهم باشد.

پروژه‌های «راه» چرا عقب مانده‌اند؟

برنامه هفتم در ایستگاه نظارت

تذکر دیوان محاسبات به وزارت راه درباره تأخیر در تصویب طرح‌های بزرگ اقتصادی و پیشران، بار دیگر موضوع نظارت مجلس بر اجرای احکام برنامه هفتم را مطرح کرده است؛ اینکه مجلس برای پیگیری تکالیف قانونی دستگاه‌های اجرایی و جلوگیری از عقب‌ماندگی برنامه چه اقداماتی انجام داده است؟

به گزارش ایسنا، قانون برنامه هفتم پیشرفت برای توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور، تکالیف مشخصی را بر عهده دستگاه‌های اجرایی قرار داده است؛ تکالیفی که اجرای آنها می‌تواند در توسعه کریدورهای ترانزیتی، افزایش ظرفیت حمل‌ونقل ریلی و دریایی و تقویت جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای مؤثر باشد. در همین راستا، مواد ۴۸ و ۱۱۹ قانون برنامه هفتم، تهیه و تعیین طرح‌های بزرگ اقتصادی ملی و پیشران از جمله دالان‌های راهبردی ترانزیت ریلی و دریایی، قطار سریع‌السیر تهران ـ مشهد و مسیرهای ترانزیتی شمال ـ جنوب و شرق ـ غرب را مورد تأکید قرار داده‌اند.

در ادامه این احکام، هیأت وزیران در بهمن ۱۴۰۳ دستورالعمل تدوین، تصویب، اجرا و نظارت بر طرح‌های پیشران را تصویب کرد و دستگاه‌های اجرایی را موظف ساخت حداکثر ظرف یک سال، پروژه‌های زیرمجموعه این طرح‌ها را برای بررسی به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند.

با وجود این، دیوان محاسبات کشور اخیراً اعلام کرده است که فرآیند قانونی تصویب بخش عمده طرح‌های مربوط به وزارت راه و شهرسازی تکمیل نشده و تاکنون تنها سه طرح ریلی برای بررسی و تصویب به شورای اقتصاد ارسال شده است؛ تأخیری که به گفته این نهاد نظارتی، تأمین مالی و آغاز اجرای پروژه‌ها را با محدودیت مواجه می‌کند و خطر عدم تحقق اهداف برنامه هفتم را افزایش می‌دهد.

نظارت مجلس؛ از دریافت گزارش تا پیگیری عملکرد دستگاه‌ها

تذکر دیوان محاسبات در حالی مطرح شده که قانون‌گذار برای نظارت بر اجرای برنامه هفتم نیز سازوکارهایی پیش‌بینی کرده است. بر اساس تبصره یک ماده ۱۱۹ این قانون، سازمان برنامه و بودجه مکلف است گزارش اقدامات مربوط به اجرای احکام این ماده را به‌صورت ماهانه به مجلس ارائه کند؛ ظرفیتی که می‌تواند مبنای ارزیابی مستمر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در کمیسیون‌های تخصصی باشد.

از سوی دیگر، کمیسیون عمران مجلس به‌عنوان کمیسیون تخصصی حوزه حمل‌ونقل می‌تواند با بررسی گزارش‌های دریافتی، دلایل تأخیر، وضعیت پروژه‌ها و موانع تأمین مالی آنها را از وزارت راه مطالبه کند. نمایندگان نیز در صورت احراز شرایط قانونی می‌توانند از ابزارهایی مانند سؤال از وزیر و ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس برای پیگیری عدم اجرای قانون یا اجرای ناقص آن استفاده کنند.

در این میان، دیوان محاسبات به‌عنوان نهاد نظارتی وابسته به مجلس نیز نقش مهمی در شناسایی انحراف دستگاه‌های اجرایی از تکالیف قانونی دارد؛ با این حال، اثربخشی این نظارت زمانی مشخص می‌شود که تذکرات و گزارش‌های نظارتی به مطالبه پاسخ از مسئولان و پیگیری اقدامات اصلاحی منجر شود.

فاصله میان اهداف برنامه و عملکرد دستگاه‌ها

اهمیت تأخیر در اجرای طرح‌های پیشران صرفاً به عقب افتادن چند پروژه عمرانی محدود نمی‌شود. توسعه کریدورهای ترانزیتی و زیرساخت‌های ریلی و دریایی، بخشی از برنامه اقتصادی کشور برای افزایش سهم ایران از تجارت منطقه‌ای است.

برنامه هفتم نیز در ماده ۵۶، افزایش ظرفیت ترانزیت زمینی کالا تا حداقل ۵۰ میلیون تن در پایان برنامه را هدف‌گذاری کرده است؛ هدفی که تحقق آن بدون تعیین تکلیف پروژه‌های زیرساختی، تأمین منابع مالی و هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول دشوار خواهد بود. در چنین شرایطی، تأخیر در تصویب طرح‌های پیشران می‌تواند زمان آغاز عملیات اجرایی و بهره‌برداری اقتصادی از این پروژه‌ها را به عقب بیندازد. از سوی دیگر، با توجه به محدودیت منابع مالی و هزینه‌های بالای اجرای پروژه‌های بزرگ زیرساختی، تعیین مدل تأمین مالی و مشخص شدن سهم دولت و سرمایه‌گذاران نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.

مجلس چه برنامه‌ای برای پیگیری دارد؟

اکنون با توجه به تذکر دیوان محاسبات، چند پرسش درباره عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نظارت مجلس مطرح است؛ سازمان برنامه و بودجه چه گزارشی از روند اجرای تکالیف مربوط به طرح‌های پیشران به مجلس ارائه کرده و کمیسیون‌های تخصصی تا چه اندازه این گزارش‌ها را بررسی کرده‌اند؟ همچنین آیا کمیسیون عمران برنامه‌ای برای بررسی دلایل تأخیر وزارت راه و مطالبه زمان‌بندی مشخص برای تعیین تکلیف پروژه‌های باقی‌مانده دارد؟

روشن شدن وضعیت سه طرح ریلی ارسال‌شده به شورای اقتصاد، مشخص شدن تعداد طرح‌های بلاتکلیف و تشریح موانع پیش روی تأمین مالی آنها نیز می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر عملکرد وزارت راه کمک کند.

در نهایت، موضوع فقط تأخیر یک وزارتخانه در اجرای تکالیف قانونی نیست؛ بلکه مسئله مهم‌تر، میزان اثربخشی نظارت پس از قانون‌گذاری است. مجلس زمانی می‌تواند از تحقق اهداف برنامه هفتم اطمینان حاصل کند که نظارت بر اجرای احکام



را به دریافت گزارش‌های دوره‌ای محدود نکند و در برابر تأخیر دستگاه‌ها، پیگیری مستمر و اقدامات اصلاحی را در دستور کار قرار دهد.

تذکر اخیر دیوان محاسبات می‌تواند فرصتی برای ارزیابی عملکرد نظارتی مجلس نیز باشد؛ مجلسی که اکنون باید مشخص کند برای کاهش فاصله میان احکام مصوب و عملکرد دستگاه‌های اجرایی، چه اقداماتی انجام داده و چه برنامه‌ای برای پیگیری این عقب‌ماندگی‌ها دارد.